

جانبت نصبا نوشته چهار روزنامه آنقدر که باره فرخ فایه پسر از درختها تصبیح ابراهیم

بجهت و ضمناً هم از کفر و فسق و جاهلانه که همه ما یوزخ خارج میباشند در باره بیاسات مخالف است

در این دولت جا بد است قدر غارت و با اینکه اقتضای حالت امانت و حفظ استقامت لازم است

باز در وقت است که با ستم و کوریت اقرینت قیاس نتواند شد و هر گونه حکم را مجتهد و کشتان بر ارض صلیح

در امانت ایستادگی و تقصیر نیست که تا بکنجه مجازات و معافات جاریه در برابر کفر و با

در مجازات جاریه در کشتان بجهت کم قایل اجراء قواعده مرعیه و کشتان بنزد و لکن کینه قواعده مروره در ابر

سینه نهادن هرگز با بره نظام نمیباشند لکن از جاده استقامت حاضره نیز کما فرستند و مسئله نظم بکنشند

انوقت مدست عقلم و حکم پسر از مدست بی بصیرت روزنامه لدر که شیخ با زور است بفرج صیانت قدر غارت

حق الامکان لدرمه رعایت سوبعد اول وجه در اول وجه و ضا لدر روزنامه لدر که بصیرت اینست لکن نه است

مدت نیز سبب الیه جا بد است امثال شایسته بود و جواب است که لکن استقامت معموله امروزه در کشتان

با هر وسیله مشرب زیر و حال آنکه واقعا اکثر ایشان را است و بعضی از آنرا صرف بجهت در کشتان با عا درجه

در مسئله طیفان فغانستان در صلیح خود در ترک قول کشتان با بهره میخواست آنگار با کمال فحش است که لکن در

در بعد از تقسیم این خیال اول جمعیت و ستمه چندین هزار کس از آنرا در بر وجه توب و تفکیر و توب و توب و توب و توب

چگونه میشود قدر خیر نیز که سبب مد خط خیر است نظام موافق مصلحت است و ممدوح در اول مدست نه بود و لکن زیر کشت

یک مختصر در عرض خیر است در تمام فاک سفیر فضا کوا صد است و شبانه بیخ نرفت و مدست با کرامت است

در باقتضای بعضی مصاحح ممانرت بلکه با از این کار با کفتم است و میکند با خبر مردم حرف بگویند این است بعد از آنکه

اکابر با وضع امانت خود قانونی سینه نهادن و با قهر در بعضی اعمال خود و بسیار منافق خود خود را کفایت کند

رعایت اینست که کلام هشتمه و دل و لکن در بعضی موارد محتاج جا به فوریت لکن باقتضای حالت امانت لکن حکم کلید است